

جامعه مدرن و سیاست

«درآمدی بر فهم جامعه مدرن» مجموعه‌ای چهارجلدی است با ویراستاری «استوارت هال» متفکر بزرگ و نواندیش بریتانیایی. مجموعه‌ای که نشر آگه اقدام به چاپ آن کرده شامل پنج فصل از کتاب دوم آن مجموعه یعنی «شکال سیاسی و اقتصادی مدرنیت» است

خیز و خفت دموکراسی مدرن

 	
دموکراسی در جوامع مدرن	
نوشته: پل لوپیس	
ترجمه: حسن مرتضوی	
نشر: آگه	
قیمت: ۲۵۰۰ تومان	
چاپ اول: پاییز ۱۳۸۸	

جلد کتاب

برخی مسائل و فرا پندهایی که مورد توجه ما هستند در سرتاسر دوره مدرن استمرار دارند، حال آنکه برخی دیگر فقط به دوره خاصی مربوط می‌شوند. مثلاً شهروندی که تاریخی درپیا و پراکنده دارد و این در حالی است که دولت رفاه پدیده‌ای بسیار متاخر است. در مجموع کتاب بررسی اجمالی‌ای است درباره پارهای محدودیت‌های دموکراسی مدرن و اشکالات استقرار دموکراسی در غرب و شرق. این کتاب مدعی هیچ نوع داوری درباره شرایط دموکراسی معاصر یا پیش‌بینی درباره تحولات آتی آن نیست. «تبیین ظهور و بررسی شرایط اجتماعی‌ای که دموکراسی در آن رشد کرد نکته‌ای را درباره ماهیت دموکراسی مدرن به ما می‌گوید و از پوش‌های گونه‌های معاصر آن شناختی را در اختیار ما می‌گذارد.»

دولت نام سه‌ماهه

دولت در جوامع

سرمایه‌داری پیشرفته

آنتونی مک‌گرو

ترجمه: **عباس مخبر**

نشر: **آگه**

قیمت: **۲۸۰۰**

چاپ اول: **پاییز ۱۳۸۸**

جلد کتاب

گسترش دموکراسی توده‌ای مدرن که محصول سرمایه‌داری متاخر است منجر به پیدایش «دولت تام» شده؛ دولتی که بر اثر فشارهای دموکراتیک برای بسط حقوق وادار می‌شود در طیفی فزاینده از حوزه‌ها دخالت کند. این کتاب به بررسی ماهیت دولت سرمایه‌داری پیشرفته و مناسبات آن با جامعه مدرن می‌پردازد. «هدف اصلی این نوشته آن است که ببینیم آیا به‌رغم این تنوع گسترده می‌توان در زمینه نهضت کارکردها و نقش دولت در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته دست به مشاهداتی کلی و معنادر زد یا خیر. آنتونی مک‌گرو می‌کوشد بر پایه میزان رشد دولت و ویژگی‌ها، فعالیت‌ها و کارکردهای آن، الگوهای مشترک اشکال گوناگون جهان سرمایه‌داری پیشرفته را شناسایی کند. با این حال، به نظر می‌رسد دولت‌های توسعه‌یافته و بسیار قدرتمند، مانند دموکراسی‌ها، یکی از اشکال سیاسی مسلط مدرنیت باشند، اما در عین حال، تنوع قابل ملاحظه‌ای در میان آنها مشاهده می‌شود و در عین شباهت‌های گسترده‌شان تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند.

نویدینی و ناپیدینی

فرهنگ سیاسی و

جنبش‌های اجتماعی

آلن اسکات

ترجمه: **آرمین کریمیان**

نشر: **آگه**

چاپ اول: **پاییز ۱۳۸۸**

قیمت: **۲۶۰۰ تومان**

جلد کتاب

این کتاب به بررسی فرهنگ سیاسی و جنبش‌های اجتماعی می‌پردازد و پرسش‌های دیگری در مورد بستر اجتماعی عمل دولت، نفوذ ارزش‌های اجتماعی و شکل‌گیری منافع اجتماعی در چارچوب حیات سیاسی به بحث گذاشته می‌شود. آلن اسکات بر این باور است که «جنبش‌های اجتماعی محصول مدرنیت‌اند و در همان موقعیتی تکوین یافته‌اند که دولت – ملت، تولید صنعتی و اشکال مدرن نمایندگی سیاسی شکل گرفته‌اند.»

دولتمندی شهروند

شهروندی دولت رفاه

دنیس رابلی

ترجمه: **ژیلا ابراهیمی**

نشر: **آگه**

چاپ اول: **پاییز ۱۳۸۸**

قیمت: **۲۲۰۰ تومان**

جلد کتاب

در این کتاب مبحثی وجود دارد در باب ساختارهای گسترده دولت سرمایه‌داری پیشرفته و لیبرال‌دموکراسی و نیز از جنبش‌های اجتماعی که حامل اوج‌گیری کنش جمعی بودند دور می‌شود و به بررسی پیامدهای مدرنیت سیاسی برای فرد و تکوین درک مدرن از شهروندی می‌پردازد. «شگفت‌آور نیست که تکوین شهروندی مدرن پیوند تنگاتنگی با سر برآوردن دموکراسی مدرن و گسترش حق رای عمومی دارد. بر این اساس می‌توان گفت شهروندان اعضای دولت – ملت‌اند و حق رای دارند.» این به آن معنا است که شهروندی مانند دموکراسی، همان اندازه که به معیار شمول مربوط می‌شود با معیار طرد هم پیوند دارد. حقوق انتخاباتی و شهروندی در آغاز به مالکیت وابسته بود و بسیار بعد از آن اقدام بود که مردان و زنان بافتند و نیز دربرگرفت.

اقتصاد ملی فوری

فوردیسم و صنعت مدرن

جان آلن

ترجمه: **محمود متحد**

نشر: **آگه**

چاپ اول: **پاییز ۱۳۸۸**

قیمت: **۲۴۰۰ تومان**

جلد کتاب

طبق ادعای مقدمه از امر سیاسی دور می‌شود و بر امر اقتصادی تمرکز می‌کند. اما این دوری کامل و قطعی نیست، زیرا بخشی از تصویر جامعه مدرن که مفهوم فوردیسم تجسم‌بخش آن است، تصویر حکومت‌های ملی است که سیاست‌های خرد اقتصادی را برای تداوم رونق اقتصادی بلندمدت پس از ۱۹۴۵ طراحی می‌کند. «صنعت ماشین‌سازان نیز بی‌جاگاه اصلی را در ایجاد بازارهای مصرف و تولید انبوه دارد.»

به بهانه انتشار چهار اثر جدید درباره ویتگنشتاین

چهل سال ویتگنشتاین

پایک ذاکری

پیکر لایونل

داریوش آشوری مقاله خود را با عنوان «ویتگنشتاین، شوریده‌سر منطقی» که در سال ۱۳۴۸ منتشر کرد، این‌گونه آغاز می‌کند: «نام لودویگ ویتگنشتاین در ایران چندان شناخته شده نیست و شاید جز اندک شماری از آشنایان فلسفه، این نام را نشنیده باشند. اما انهایی که کتاب‌های فلسفی حوزه آنگلو‌ساکسون را در ۲۰ سال اخیر ورق زده‌اند، می‌دانند که این نام چه پرآوازه است.»
اوضاع در چهار دهه پس از انتشار این مقاله که به احتمال زیاد اولین معرفی ویتگنشتاین در مطبوعات فارسی به شمار می‌رود، بسیار عوض شده است. بسیاری از کارهای اصلی ویتگنشتاین به فارسی ترجمه شده و شرح‌های بسیاری درباره او در اختیار فارسی‌زبانان قرار گرفته است. ویتگنشتاین امروزه به یکی از «شناخته‌شده‌ترین» فیلسوفان معاصر تبدیل شده است. بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب در دو دهه اخیر درباره ویتگنشتاین منتشر شده است و به شباهت پایگاه اینترنتی کتابخانه مرکزی که تازه تمام مقاله‌ها را نیز فهرست نمی‌کند، بیش از ۳۰۰ مقاله در سطوح مختلف از روزنامه تا مجله‌های تخصصی درباره ویتگنشتاین و فلسفه او به زبان فارسی نوشته شده است. نگاهی به نامه‌ای این نویسنده‌گان و بررسی سوابق کاری آنها نشان می‌دهد ویتگنشتاین در این خصوص نیز یگانه است. روشنفکر سکولار، روحانی، روشنفکر چپگرا و لیبرال، روزنامه‌نگار و حتی نقاش درباره ویتگنشتاین نوشته‌اند یا ترجمه کرده‌اند و هر روز این فهرست بزرگ‌تر می‌شود. نمونه‌اش همین یادداشتی که اکنون در حال خواندن آن هستید. اگر بخوایم به این اعداد کتاب‌ها و مقاله‌هایی را اضافه کنیم که در آنها فصل یا بخشی به ویتگنشتاین اختصاص داده شده است، این اعداد بسیار بزرگ‌تر خواهد شد. با این همه خوب است این نکته را هم در نظر داشته باشیم که هر روزه در سرتاسر جهان درباره ویتگنشتاین متن‌ها و کتاب‌های جدیدی منتشر می‌شود. سایت آمازون که در کار فروش محصولات فرهنگی و کتاب است، بیش از سه هزار عنوان کتاب که در عنوان‌شان کلمه ویتگنشتاین آمده را برای فروش فهرست کرده است.

اولین ترجمه‌ها

سه سال پس از انتشار مقاله داریوش آشوری یعنی در سال ۱۳۵۱ منوچهر بزرگمهر کتابی با عنوان ویتگنشتاین از یوستوس هارتناک ترجمه کرد و انتشارات خوارزمی آن را منتشر کرد. تا مدت‌ها یعنی نزدیک به دو دهه تا سال ۱۳۶۹ این کتاب تنها مرجع شناخت ویتگنشتاین در زبان فارسی بود. در این مدت تنها چند مقاله به شکل پراکنده درباره ویتگنشتاین منتشر شد که برای نمونه می‌توان به نوشته «مفهوم فلسفه در تفکر ویتگنشتاین متقدم» در سال ۱۳۶۱ به قلم محمد اکوان اشاره کرد. اما نخستین اثری که از خود ویتگنشتاین به فارسی ترجمه شد، رساله منطقی– فلسفی او بود که محمود عبادیان در سال ۱۳۶۹ منتشر کرد. این کتاب اما به سرعت تحت تأثیر ترجمه رشک‌برانگیز ادیب سلطانی از همین کتاب که دو سال پس از آن منتشر شد قرار گرفت. ادیب سلطانی پیش از ترجمه این کتاب در سال ۱۳۵۹ پژوهشی درباره حلقه وین که به شدت تحت تأثیر ویتگنشتاین بودند، منتشر کرده بود. خوانندگان آثار فلسفی در آن زمان با قلم منحصربه‌فرد و دشوار عجیب وی آشنا بودند چرا که او پیش از آن «سنجش خرد ناب» یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی تاریخ را در سال ۱۳۶۲ منتشر کرده بود. با این همه کار ارزشمند ادیب سلطانی همچنان تنها در بین خوانندگان حرف‌های فلسفه دست به دست می‌شد.



سنت تئوری انتقادی بر بستر جغرافیایی بریتانیا به طور عام و انگلیس به صورتی خاص، فرزندتی از حوزه تاریخ‌نگاری ایران معاصر برپورده و آن فرزند نامش یرواند ابراهامیان است. تاریخ‌نگاری که شالوده تئوریک پژوهش‌های انتقادی‌اش در باب ایران معاصر (از قاجار و مشروطه به این سو) را از سنتی برگرفته است که ذیل نامه‌ای چون ئی‌پی تامپسون و اریک هابسامس به حیات فکری و سیاسی‌اش ادامه می‌دهد. اگر این مفروض آلتوسری را به مثابه اصل موضوعه (اکسیوم) بپذیریم که این سنخ از تاریخ‌نگاری با گسست‌ها و جهش‌ها در مسیر تحولات تاریخی سروسرکار دارد، پس به تبع آن باید قبول کنیم که این گسست‌ها و جهش‌ها بیش از آنکه فراورده ناب سیاست‌ورزی بزرگان و فراسدنا باشند، سننز «تحولات آرام و ریشه‌داری است که در ذهنیت عمومی روی داده.» (ص ۲۴) یعنی به بیانی سراسرت‌ر مسیر آگاهی فردوستان و مردم و باز هم به زبان جامعه‌شناختی عاملانی تحت نام مردم. لذا این سنخ از تاریخ‌پژوهی بیش از آنکه درگیر فی‌المثل تاریخ سیاسی یا اجتماعی باشد، به تعبیر «هابسامی» به تاریخ کل جامعه نظر دارد و گونه‌ای گذر است از تاریخ اجتماعی به تاریخ جامعه.

کتاب جدید ابراهامیان تحت عنوان «تاریخ ایران مدرن» با مفروضات تئوریک پیش‌گفته، به رشته تحریر درآمده است. دقیقاً نقطه شروع حرکت من به سوی کتاب در همین وهله تطفه می‌بیند؛ وهله‌ای که با عبور از مفاهیم مبهمی نظیر تاریخ عمومی یا تاریخ کلی به فضایی عینی و در عین حال پیچیده یا می‌گذارد و آن تاریخ مردمی یا تاریخ مردم است. پیشتر ابراهامیان در مقاله «توده مردم در انقلاب مشروطه ایران» مندرج در کتاب مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران (که بزعم من مهر‌ارستای کتاب ایران بین دو انقلاب باید خوانده شود)، تکلیفش را با مفهوم عینی اما به صراحت لغزنده و ژلاتینی توده مردم مشخص کرده است. ابراهامیان بر این باور است که «با اینکه توده مردم در همه اعصار در عمل به شکل مبارزه برای شکست، آزادی و عدالت تلاش کرده‌اند. پژوهشگران مخالف، نقش مردم را به صورت پژوهشگران موافق نقش مردم، بدون استثنا این نقش را در عمل به شکل مبارزه برای کشور، آزادی و عدالت تفرق کرده‌اند. پژوهشگران مخالف، نقش مردم را به صورت «ارذل و اوباش بی‌خردی» مسخ کرده‌اند که از بیگانگان

و

کتاب



است که درباره ویتگنشتاین منتشر شده است. نورمن مالکولم این کتاب را در سال ۱۹۵۹ هشت سال پس از درگذشت ویتگنشتاین منتشر کرد. کاکاسلطانی همچنین مقدمه‌ای را که آنسکومپ بر رساله ویتگنشتاین نوشته است، به فارسی برگرداند. این نوشته یکی از نوشته‌های کلاسیک درباره رساله ویتگنشتاین است. او به تازگی دو کتاب دیگر درباره ویتگنشتاین ترجمه کرده است که هر دو را مانند کتاب‌های دیگرش انتشارات گام نو منتشر کرده است: «چگونه ویتگنشتاین بخوانیم» اثر ری مانک که زندگینامه مفصل و مشهور ویتگنشتاین را نوشته است و «فرهنگ اصطلاحات ویتگنشتاین». اما فرهنگ اصطلاحات ویتگنشتاین کتابی است بسیار مفید. این فرهنگ ترجمه فرهنگی است که هانس یوهان گلاک درباره ویتگنشتاین تدوین کرده است. این فرهنگ از مجموعه دیکشنری‌های فلاسفه انتشارات بلکول است که هر جلد آن به یک فیلسوف اختصاص دارد. هر مدخل این فرهنگ مقاله‌ای مفصل است درباره معنای واژه‌ها در فلسفه ویتگنشتاین. از این رو این فرهنگ برای کسانی که می‌تواند با استفاده از کارهای ویتگنشتاین می‌تواند با استفاده از این فرهنگ مطالعه آثار ویتگنشتاین را آغاز کند. نکته‌ای که مناسفانه در ترجمه فارسی به آن کم‌توجهی شده است، در دسترس بودن معادل‌های واژگان است.

در کتاب اثری از یک واژه‌نامه دوزبانه به چشم نمی‌خورد حتی در موارد بسیاری ارجاع به صفحه هر مدخل اشتباه است. این کاستی استفاده از کتاب بسیار سبباز سומدن را کمی دشوار می‌کند و شایسته است ناشر در چاپ‌های بعدی این نقص را جبران کند. جبران این نقص در مقابل زحمتی که برای ترجمه و انتشار این اثر کشیده شده، کاری بسیار ناچیز خواهد بود.

و

ایرانی‌ها چه تاریخی در سر دارند

روزبه صدرآرا

این سنت را با نقش مرکزی مردم در تاریخ‌پژوهی معاصر ایران پیوند بزند و از این هم فراتر، نقش یک کارگزار امین و مطمئن را در برقراری این پیوند ایفا کند و به زعم من این دستاورد ژرف و شگرفی است. کتاب تاریخ ایران مدرن سنننز دینامیک (پویشی) و نقادانه (پرچ در زمین تاریخ از زمانه حال) از تمامی گذرها (پاساژها یا ایستگاه‌ها / موقفاها)، اتصالات (مداخله‌جویی‌های سیاسی مردم در قالب مشارکت همگانی)، و گسست‌هایی انفلاتات یکصد

سال اخیر در این مملکت) است که با اشراق نظیتری در حوزه‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی با بیان موجز و سراسرت و صریح عجین شده است و محصول آن، کتابی است که اکنون پیش‌روی ماست، ابراهامیان در یادداشتی بر پیشانی کتاب مذکور به صراحت یادآوری می‌کند که «این کتاب بیشتر در حکم مقدمه‌ای است برای آشنایی خوانندگان عادی که از ایران مدرن شگفت‌زده‌اند، و می‌کوشد توضیح دهد که چرا ایران را اغلب خبرها حضور دارد، و چرا در یک سده دو انقلاب عمده را… تجربه کرده، و از همه مهم‌تر چرا اکنون یک جمهوری اسلامی در آن مستقر شده است.» (ص ۱۲) می‌خواهم توجه مخاطب را به این نکته گیرا و انگیزاننده ارجاع بدهم که ابراهامیان اساساً کتابش را برای مردم از یک طرف و درباره مردم از طرفی دیگر نوشته و پژوهیده است یعنی در این کتاب مردم، هم در حکم موضوع یا محمول هستند و هم در قامت فاعلان و عاملان تاریخ خودشان. و لذا باید اعتراف کرد که کتاب ابراهامیان بهترین مدخل و ورود برای تاریخ پرتنش و فراز و فرود مردمی‌ای است که در اقبال و طبقات گوناگون تاریخ خود را ساختن‌اند منتها در شرایط و موقعیت‌های عینی و ملموس تاریخی که پیکره ذهنیت عمومی را بر ساخته است.

برخلاف سایر تحلیل‌ها و پژوهش‌های تاریخی، فکری، سیاسی، اجتماعی که مردم بیشتر در قالب دال (میان) تهی پدیدار می‌شوند که مدلول‌های حاکی از حب و بغض‌های

دوشنبه ۲۸ تیر ۱۳۸۹

نگاه

صدای حاشیه‌نشین‌ها

فرناز میرعبان

۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ ارتش سرخ، کابل را تسخیر می‌کند. اعضای برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی افغان به پاکستان پناه می‌برند. در میان این پناهجویان، نام‌های بزرگی به چشم می‌خورد. در میان اسلامگراها دو طیف تأثیرگذار با چهره‌هایی شاخص در میان پناهندگان هستند، اعضای «جمعیت اسلامی» (میان‌رو) به رهبری ربانی و مسعود و اعضای حزب اسلامی به رهبری «حکمتیار». سال ۱۹۹۲ دولت کمونیستی «تجیب‌الله» سقوط می‌کند.

مسعود وزیر دفاع می‌شود و برهان‌الدین ربانی، مجلسی تشکیل می‌دهد و خود را رئیس‌جمهور افغانستان معرفی می‌کند. جنگ داخلی افغانستان کلید می‌خورد. اسلامگراهای «حکمتیار» که از طرف عربستان و پاکستان حمایت می‌شدند، «مجاهدین» به فرماندهی مسعود و ازبک‌های ژنرال دوستم با هم وارد جنگ می‌شوند. در میانه این نزاع داخلی، همسایه افغانستان در مرزهای جنوبی این کشور اقدام به تربیت نیروهای تندرو می‌کنند. «طالبان» با همان طلبه‌های اسلامگرا که در مدرسه‌های علوم دینی و مدارس قرآنی پاکستان تربیت شده‌اند بر آن بودند تا اسلامی به شدت سخت و خالی از رفت را که از مکتب «دُئیوان» هندی وام گرفته بودند به جامعه تحمیل کنند.

پاکستان این فرقه را مسلح کرد. در سال ۱۹۹۶، طالبان کابل را تصرف می‌کنند، رئیس‌جمهور وقت افغانستان «ربانی» به «بدخشان» پناهنده می‌شود و «مسعود» در دره «پنجشیر» مقاومت می‌کند. «احمدشاه مسعود» در تمام سال‌های مبارزه در پنجشیر و حتی پیش از آن در دوران سیطره ارتش سرخ بر خاک کشورش همواره صدای بی‌صداها بود؛ صدایی که قرار بود اعلام وجود کند. «مسعود» رهبری اقلیت به حاشیه‌رانده‌شده افغانستان را بر عهده داشت؛ اقلیتی که در دوتایی‌های سلاحت نمادین کمونیست/ دوران او نمی‌گنجید. دوتایی غالب یعنی کمونیست/ طالبان، او نه کمونیست بود نه عضوی از تندروهای طالبان. مقاومت او علیه این‌ دوتایی و خارج بودنش از ظرف قدرتی که این دوتایی قدرت در افغانستان داشتند او را به رهبر اقلیت به حاشیه رانده‌شده بدل کرد. بیش و درک عمیق او از اوضاع افغانستان وی را قادر ساخته بود تا به جهانیان نسبت به تئوریسم عسیره‌ای پاکستان که گسترش یافته و سازماندهی شده بود هشدار دهد. او پیش از کشته شدنش در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ در پاریس، استراسبورگ و در پارلمان

 	
احمدشاه مسعود	
روایت صدیقیه مسعود	
شکیبا هاشمی و	
ماری فرانسواز کولومبانی	
ترجمه: افسر افشاری	
نشر: مرکز	
چاپ اول: ۱۳۸۸	
قیمت: ۵۵۰۰ تومان	

اروپا چنین گفته بود: «تئوریسم از مناطق عسیره‌ای در پاکستان فراتر رفته و جهان را دربر خواهد گرفت.» پیشگویی مسعود دو روز بعد از مرگش تحقق یافت. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک منجر شدند. مسعود ندای رهایی‌بخش آن اقلیت به حاشیه رانده‌شده بود و می‌دانست این حاشیه سبویه ارتجاعی و خشنی نیز دارد و او به درستی آن سبویه را در طالبان تشخیص داده بود.

کتاب «احمدشاه مسعود» یک عاشقانه است درباره «احمدشاه مسعود» عاشقانه‌ای که همسر مسعود، «صدیق‌ه مسعود»، آن را روایت می‌کند. در این کتاب قرار است به فرماندهی که عاشق می‌شود، شعر می‌داند و البته سینما را دوست دارد، نزدیک شویم.

«او (احمدشاه مسعود با احمد اِپرش] ساعت، به دخترها خودکار و به پسرهایی که اطرافش بودند،

لباس یا دوربین هدیه می‌کرد. او به خصوص دستگاه ویدئوکاستش– که با آن انواع فیلم‌های خارجی مثل چهارصد ضربه، جوخه، اسپارِتاکوس و نیکسون و… می‌دید– و دوربین فیلمبرداری دیجیتال را خیلی دوست می‌داشت.» از این رو مخاطب با زوایای دیگر شخصیت این فرمانده جنگ‌های نامنظم افغان آشنا می‌شود. «صدیق‌ه مسعود» به نوعی روایتگر تاریخ شفاهی افغانستان دوران کمونیسم و پس از آن طالبان است. او دوران حضور کمونیسم در جامعه خود را چنین بیان می‌کند: «کنترل‌ها شدت می‌یافت، برای مردم پرورده درست می‌کردند، دخترها بعد از مدتی اقامت در کابل و بازگشت به دهکده روسری‌هایشان را برمی‌داشتند…«صدیق‌ه ، مسعود» را نه در قامت یک مبارزه، که در قامت پدری مهربان و همسری عاشق برای مخاطب توصیف می‌کند. او از آرمان‌های مسعود و آرزوی افغانستان آزاد می‌نویسد. «صدیق‌ه مسعود» لحظات مرگ فرمانده را این‌گونه روایت می‌کند: «آنها او را از سرزدرخانه بیرون آورده بودند تا قبل از رسیدن من آماده باشد. مرد مقتدری که از آن همه برای من محبوب و قابل احترام بود، اکنون تبدیل به جسدی رنگ‌پریده و سفت و سخت شده بود.»«صدیق‌ه مسعود» و شش فرزندش تا زمان نگارش این کتاب (۲۰۰۵) در ایران زندگی می‌کردند. او هر سال به پنجشیر و محل زندگی‌اش با مسعود بازمی‌گردد؛ جایی که شیر دره پنجشیر در آن آرام خفته است: «در داخل کمدها هنوز لباس‌هایش آویزان است. صندلی او مثل همیشه جلوی پنجره قرار دارد.»

جلد کتاب

